

گل ترگس در شعر حافظ ترگس شهلا و ترگس مسکین

دکتر مهین بانو صنیع
استاد سابق دانشگاه

□ ترگس طلبد شیوهی چشم تو زهی چشم مسکین خیرش از سرو در دیده حیا نیست
ترگس یکی از گل های دلپسند و محبوب غزل سرای بزرگ ایران زمین، خواجه شمس الدین
محمد حافظ شیرازی است. در غزل های خواجه، بیش از چهل و پنج بار از این گل یاد شده
است که بیش از سی و سه بار آن با صفات زیر به صورت تشبیه استعاره و کنایه در ارتباط با
چشم آمده است چون:

مست، مستانه، مکحول، مخمور، ترکانه، فتان، شوخ، بیمار، جمالش، رعنه مسکین.
در زادگاهم مازندران، آن سرزمین همیشه بهاران، ترگس در جنگل ها و دشت ها فراوان
است و چشم نواز و دل فریب عطر افشانی، می کند. گونه‌یی از این ترگس، با بویی خوش و
حلقه‌یی زرین بر سر است که مردم آن سامان آن را «ترگس شهلا» خوانند و نوع دیگری با
گلبرگ های سفید بدون حلقه‌ی زرین که آن را «ترگس مسکین» نامند و اغلب در اواخر اسفند
ماه که موسم فراوانی این گل است، کودکان روستایی با دسته گل هائی به دست در کوی و
بازار فریاد می زنند:

«ترگس شهلا، ترگس مسکین»

(به تصور نگارنده، نسبت فقر و مسکنت به این ترگس و نوع آن به خاطر نداشتن حلقه‌ی
زرین بر سر و کف خالی از زر است و احتمالاً صفت چشم دریده برای همین نوع ترگس است
که فاقد مردمک چشم است)

باری برای روشن تر شدن این مطلب چند سطر از گیاه شناسی مرحوم «گل گلاب»
صفحه‌ی ۲۸۶ را به نقل از لغت نامه‌ی دهخدا در این جا می آورم: «ترگس گلی است از تیره‌ی
ترگسی ها که در وسط گلشن آن، حلقه‌ی زرد دیده می شود که آن را «ترگس شهلا» گویند و
در بعضی جنس ها خود گلی، زرد یا سفید است ولی در وسط گلشن آن گلبرگ های کوچک
سفیدی است که آن را «ترگس مسکین» گویند.» بنابراین «ترگس شهلا» و «ترگس
مسکین» نام دو نوع ترگس است و به نظر این جانب بدون تردید خواجه‌ی شیراز بدین نکته
توجه و عنایت داشته است هم چون «ترگس شهلا» در بیت زیر توجه کنید:

چشمت از ناز به حافظ نکند میل، آری سرگرانی صفت «ترگس شهلا» باشد
که در بین تمام نسخ معتبر که دیده‌ام، تنها در نسخه‌ی حافظ مرحوم قدسی «ترگس شهلا»
ضبط شده است و هم چنین مرحوم استاد فرزاد با این که در متن حافظ خود مانند
سایرین «ترگس رعنا» نوشته ولی در چهار نسخه بدل «ترگس شهلا» ضبط کرده است.
بنابراین، چنین به نظر می رسد که ضبط مرحوم قدسی یعنی «ترگس شهلا» به تناول گویش
عامه نزدیک تر و مقبول تر است. طرفه این است که اغلب پژوهشگران و حافظ شناسان
صاحب نظر که اشعار خواجه را معنی و شرح کرده‌اند، عنایتی بدین نکته نفرموده‌اند.

به همین جهت به نظر رسید که این مختصر احتمالاً برای روشن شدن گوشه‌یی از شعر
خواجه‌ی شیراز یا ترگس ضروری است، باشد که مقبول طبع محققان قرار گیرد. ■

است. در نتیجه بیت آخر ناگهان
شناسنامه‌ی جدیدی برای حافظ و
عشق او صادر می کند و فضا را به
عرصه‌یی برای تأویل و تکثر معنا
تبدیل می نماید. اگرچه توان این بیت
برای مصادره کلیت غزل کافی به نظر
نمی رسد. ظاهراً «حافظ» در ابیات
قبلی زیادی «رند» بوده است!

پانویس هایی شاید مهم تر از متن

۱- می فرمایید چرا بین صدها
غزل «حافظ»، تامل بیش تری در این
غزل نموده‌ام؟ چون از قدیم دوستش
داشته‌ام و در خلوت و جلوت
زمزمه اش کرده‌ام. و دیگر این که
کمی «رندی» از خواجه آموخته‌ام!

۲- می فرمایید با معیارهایی
امروزین، آن هم در هیأت دانش
نسبتاً نوین نشانه شناسی و
زبان شناسی به سراغ «حافظ» قرن
هشتمی رفتن درست نیست؟
خیر! خود ایشان در بسیاری از
غزل هایشان ثابت کرده‌اند که این
معايير را نخوانده‌اند اما خوب بلدند.
نمونه هایش را که ذکر کردم!

۳- می فرمایید به فرض قبول
گفته های آمده، فقط همین یک غزل
در دیوان خواجه این طوری است؟
باز هم خیر! به نسبت بزرگی «
حافظ» این طور در غزل ها در دیوان
او کم نیست. اگر این نوشتار به
مخاطبان جرأت بدهد که شجاعانه
پته این غزل ها را روی آب بریزند،
صاحب این قلم به هدف خود رسیده
است. ■